

## در شهادت امام جواد(ع)

امامت پس از شهادت امام علی بن موسی الرضا(ع)، در ماه صفر سال 203 هجری وارد عصری جدید شد که مورخان از آن با عنوان عصر سفارت و وکالت یاد می‌کنند.



امامت پس از شهادت امام علی بن موسی الرضا(ع)، در ماه صفر سال 203 هجری وارد عصری جدید شد که مورخان از آن با عنوان عصر سفارت و وکالت یاد می‌کنند.

ویژگی‌های منحصر به فرد این دوران را می‌توان در 2 امر خلاصه کرد: نخست دریافت عمیق‌تر خلفا و مخالفان فکری ائمه‌علیهم‌السلام از نقش و جایگاه ایشان در جهان اسلام به صورت عمومی و منظومه شیعی به نحو ویژه. این درک و برداشت را باید حاصل مشاهده و ممارست مستمر ایشان از جایگاه ائمه دانست.

این امر به خصوص از دوران خلیفه عباسی هارون الرشید تشدید شد و در دوران مامون و خلفای پس از او به اوج رسید. البته میزان محک کلی واحدی برای ارزیابی و سنجش عملکرد خلفا در این مورد وجود ندارد، اما به نحو عمومی می‌توان واکنش‌های گاه و بیگاه ایشان را در طیفی از منفی‌گرایی مورد مطالعه قرار داد. ویژگی دوم این دوران را می‌توان نتیجه منطقی مشخصه نخست دانست. وضعیت ناشی شده از این ویژگی را می‌توان در تغییر روش ائمه‌علیهم‌السلام در هدایت عموم مردم مشاهده کرد. به کار گرفتن روش‌های غیرمستقیم، استفاده از استدلال‌های به ظاهر نامربوط اما متداول در محافل و مدارس فقهی مخالف و به شکل عمومی به کار گرفتن هر آنچه به حفظ جان و مال و آبروی امام و اکثریت شیعیان منجر می‌شد- که می‌شود از آن با عنوان قرآنی تقیه یاد کرد- را می‌توان در این میانه به وضوح به مشاهده نشست. وضعیت امام جواد علیه‌السلام که در سیام صفر سال 203 هجری به امامت رسید.

در این جستار که به مناسبت شهادت امام محمد بن علی جواد علیه‌السلام در 30 ذیقعه سال 220 هجری فراهم آمده است، می‌کوشیم تا گوشه‌هایی از زندگی امام را که تحت تأثیر عوامل ناهمگون به مصداقی بی‌بدیل برای مطالعه و شناخت حیات ائمه بدل شده است، ارائه کنیم.

شیخ مفید (ره) ولادت پربرکت امام جواد علیه‌السلام را در ماه رمضان سال 195 هجری در مدینه دانسته است؛ ولادتی که جز خوشحالی شیعیان که از مشخص شدن امام بعدی ناشی می‌شد، سبب از میان رفتن فتنه‌ای با نام واقفیه نیز شد. ایشان گروهی بودند که به انگیزه‌های مادی پس از امام کاظم علیه‌السلام به این بهانه که امام رضا علیه‌السلام صاحب فرزندی نمی‌شود به امامت ایشان نگرویدند.

با ولادت امام جواد علیه‌السلام این بهانه نیز از ایشان ستانده شد و بسیاری از ایشان به مسیر اصلی امامت بازگشتند؛ به خصوص که امامت امام جواد علیه‌السلام تنها به واسطه نص جلی و آشکار از ناحیه پدران ایشان نبود بلکه چنان‌که شیخ مفید در الارشاد آورده است، امامت ایشان جز به سبب نص به واسطه کمال و فضل بی‌نظیر ایشان در سنین خردسالی نیز آشکار بود. جالب آن است که حضرت امام رضا علیه‌السلام نیز خود به این امر اشاره کرده است.

ایشان در روایتی که کلینی و شیخ مفید از ابی یحیی صنعانی آن را نقل کرده‌اند، می‌فرمایند: [#171](#); این [اشاره به امام جواد علیه‌السلام] است آن فرزندی که پربرکت‌تر از او برای شیعیان ما، فرزندی زاییده نشده است. «(الارشاد، ج 2، ص 391، ح 8) همچنین بر اساس روایتی که خیرانی از پدرش نقل می‌کند امام رضا علیه‌السلام فرزندش را با سن اندکی که دارد پناهگاه امت معرفی کرده و او را از جهت سن با عیسی بن مریم(ع) که در سن کمتری به نبوت رسید مقایسه می‌کنند. (همان، ح 9) درک فضل و برتری ایشان البته منحصر به محافل و شهرهای شیعی نبود بلکه خلیفه وقت نیز بدان معترف بود.

به تعبیر برخی مورخان، چون مامون خلیفه عباسی فضیلت و برتری آن حضرت را در علم و دانش با آن خردسالی و کودکی دید و نبوغ خارق‌العاده را در ایشان مشاهده کرد و دید که آن جناب در علم، حکمت، ادب، کمال خرد و عقل به پایه‌ای رسیده است که پیران سالخورده و فقهای جاافتاده از درک آن عاجزند، شیفته ایشان شد و دخترش ام‌الفضل را به همسری او درآورد و او را با ایشان روانه مدینه کرد. احتمالاً این رفتار خلیفه را باید از سر احترام او به فضل امام تفسیر کرد؛ هرچند در این باره تفاسیر دیگری نیز وجود دارد. مامون البته در مقابل حاضر شد تا به خواسته ایشان در مورد برپایی جلسات مناظره میان امام و سایرین تن در دهد. بر این اساس 2 مناظره میان امام و مخالفان ایشان انجام شد که هر دو مناظره منجر به اثبات فضل و کمال و برتری ایشان شد.

در مناظره اول موضوعات عموماً فقهی با محوریت حج مطرح شد و در مناظره دوم امام به احادیث جعلی که در دوران امویان پیرامون فضائل برخی خلفا ساخته شده بود بی‌آنکه متعرض ایشان شده و سبب تحریک عواطف حاضران شوند، پاسخ گفتند. به عنوان مثال ایشان به روایتی جعلی که به پیامبر منسوب بود و در آن آمده است: [#171](#); ما احتبس عنی الوحی قط الا ظننت قد نزل علی آل خطاب، هرگز وحی از من قطع نشد مگر آنکه گمان کردم بر آل خطاب نازل شده است. امام در پاسخ به این حدیث بی‌آنکه اشاره مستقیمی به خلیفه دوم داشته باشند فرمودند: [#171](#); معقول نیست پیامبر حتی برای لحظه‌ای در نبوت خود شک کرده باشد؛ چرا که در قرآن آمده است: [#171](#); والله یصطفی من الملائکه رسلاً و من الناس / خداوند از فرشتگان و از مردم پیامبرانی را برمی‌گزیند. «(حج: 75)

بر این اساس پیامبر می‌داند که برگزیده خداوند است، در نتیجه شک کردن در آن بی‌معناست و چگونه ممکن است که نبوت از او به دیگری منتقل شود؟! با این مناظرات امام به تدریج به‌عنوان یک خطر بالقوه در ذهن حاکمان وقت مطرح شد. در نتیجه روند قطع ارتباط ایشان با علاقه‌مندان‌شان آغاز شد. اما در مقابل امام (ع) توانست اطمینان مسلمانان را به خویش جلب کند. این جلب اطمینان و اعتماد تا بدانجاست که یکی از بزرگ‌ترین و سالخورده‌ترین فقها و محدثان شناخته شده اسلامی یعنی علی‌بن‌جعفر که عموی پدر ایشان، امام رضا علیه‌السلام است و با ایشان فاصله سنی بسیاری داشت، برای ایشان احترام فوق‌العاده‌ای قائل بود.

حسین‌بن‌موسی‌بن‌جعفر، برادر امام‌رضا علیه‌السلام و برادر زاده علی بن جعفر علیه‌السلام در این باره روایت می‌کند که در مدینه نزد ابی جعفر [امام جواد علیه‌السلام] بودم. علی‌بن‌جعفر هم حضور داشت. طبیعی برای حجامت آمده بود. چون طبیب به امام نزدیک شد علی‌بن‌جعفر برخاست و به امام جواد عرض کرد: آقا اجازه دهید از من شروع کند تا من قبل از شما تیزی آهن را بچشم... و هنگامی که حضرت برخاست تا برود، علی‌بن‌جعفر بلند شد و کفش او را جفت کرد تا حضرت کفش‌هایش را بپوشد! (کشف الغمه، ج3، ص153)

همچنین در روایت دیگری از محمد بن حسن بن عمار نقل شده که گفت: &#171;من در مدینه نزد علی‌بن‌جعفر بودم که ابوجعفر محمدبن‌علی‌الرضا علیهم‌السلام وارد مسجد شد. علی‌بن‌جعفر بدون کفش و ردا از جا پرید و بر دست او بوسه زد و او را تعظیم کرد. اطرافیان علی بن جعفر او را سرزنش کردند که تو عموی پدر او هستی و با او اینگونه رفتار می‌کنی؟ علی‌بن‌جعفر پاسخ داد: خاموش باشید. و در حالی که با دست محاسن خود را گرفته بود ادامه داد: زمانی که خدا این ریش سفید را اهل و شایسته ننموده است، ولی این نوجوان را شایسته ساخته و در او منزلتی قرار داده است، آیا من فضیلت او را منکر شوم؟ از آنچه شما می‌گویید به خدا پناه می‌برم.» (بحارالانوار، ج50، ص36) با مرگ مامون، معتصم به جای او به خلافت رسید. او چون مامون، امام را تحمل نمی‌کرد. از این رو بنا بر برخی روایات ایشان را پس از فراخوانی به بغداد مدتی زندانی کرد، سپس تصمیم به قتل ایشان گرفت. از این رو همسر ایشان را که از ایشان صاحب فرزندی نمی‌شد، مجبور کرد تا سمی به امام بخوراند.

در روایت دیگری نیز به جای همسر ایشان از یکی از وزرای معتصم یاد شده است که غذای مسموم به ایشان خوراند. به هر روی شهادت ایشان در روز 30 ذی‌قعدة سال 220 هجری در بغداد روی داد. ایشان را در مقابر قریش بغداد در کنار جسد مطهر جدشان امام موسی‌بن‌جعفر علیهما‌السلام دفن کردند.

آرمگاه ایشان اینک در غرب بغداد و در منطقه‌ای به نام کاظمیه قرار دارد. سلام بر ایشان آنگاه که متولد شد، آنگاه که به شهادت رسید و آنگاه که زنده مبعوث خواهد شد.

سهند صادقی بهمنی  
همشهری آنلاین